

مقدم ده فرمان

ده فرمان در عهد قدیم و بر روی کوه سینا، راه میان انسان و خداوند به نقطه عطفی می رسد. بعد از نجات معجزه آسای قوم در مصر اسیر آن بودند و چهل سالی که آنها در صحرا و بیابان سرگردان بودند، اسرائیل از بردگی که همه اینها به منظور هدف بخصوصی از مکاشفه خداوند میباشند و همانطور هم شد، مشخص شد که خداوند موسوی را به سوی کوه سینا هدایت کرد و در آنجا به او ده فرمان را ابلغ



در کوه. کتاب دوم موسوی فصل بیست خوانده شود. کرد. سینا خداوند خواسته های خود را نه تنها برای قوم اسرائیل، بلکه برای همه مردم دنیا بیان کرد. ده فرمان حتی برای يك كودك هم قابل فهم است. اگر انسانها همه آن ده فرمان را رعایت می کردند ما امروز شاهد جهانی عاری از جنگ بودیم و دیگر به پلیس نیازی نبود، و هیچ سربازی لزم به خدمت نبود، مرزی وجود نداشت، حتی دوچرخه خود را نیاز نداشتیم که قفل کنیم، هیچ زندانی نبود و به اینهمه ادوات و تجهیزات برای حفاظت و امنیت و دفاع نیازی نبود و همه اینها منوط به این بود که ولي این را. انسانها ده فرمان را می توانستند رعایت کنند نمیتوان با رعایت پنج رکن اصلی اسلم و یا هر دین دیگری بدست آورد. ما این را می دانیم که ده فرمان خداوند يك برنامه

کامل برای کل عالم می باشد و اگر ما امروز دنیای کاملی نداریم

این

برمیگردد به ما انسانها که از پس انجام این فرمانها بر نیامده ایم و قدمهایمان در راه سست و شکننده میباشد و ربطی به این فرمان ها ندارد. این فرمانها به قدری فرمانهای اول تا سوم: که مربوط به ارتباط میان انسان و خداوند است و: آسان می باشند که ما آنها را به دو دسته تقسیم می کنیم فرمانهای چهارم تا دهم: که برمیگردد به ارتباط میان. به ما نشان می دهد که دوست داشتن خداوند بر همه چیز برتری دارد زمانی که خدا ده فرمان خود را به موسوی داد، در واقع ده. انسانها و به ما یاد میدهد که چطور خود و دیگران را دوست بداریم خواسته مقدس خود را بیان کرد و این را به ما نشان داد که از ما چه می خواهد. اما همانطور که گفته شد ما انسانها از انجام اراده خداوند ناتوان هستیم. ما در ظاهر برای خدا بالاتر از هر چیز ارزش قائل هستیم و در دعای روزانه نیز به آن اشاره میکنیم ولي آیا در قلبمان هم همانطور است؟ ما در ظاهر به خدا ارزش می نهیم و مرتکب قتل نمی شویم ولي در باطن از انجام آن غلظیان سه، ده: ناتوان میمانیم و به همین خاطر از خواست خدا دور میمانیم. به این دلیل ما انسانها سزاوار خشم خداوند هستیم زیرا جمیع آنانی که از اعمال شریعت پیروی میکنند، زیر لعنت می باشند زیرا مکتوب است، ملعون است هر که ثابت نماند در ما با خواندن ده فرمان همیشه اشاره داریم به اعمال ظاهری و همچنین گناه که. تمام نوشته های کتاب شریعت تا آنها را به جا آورد در قلب ما میباشد، اما انجیل همیشه بین آنها تفاوت قائل است و اعمال ظاهری را با گناه قلبی که در اعماق قلب ماست و در وجود هر انسانی هست را از هم جدا میکند. در واقع عمل گناه يك ثمره ایست که با هر انسانی همراه است و پولوس آن را توضیح داده است که در ده فرمان این امر مهم است که بین عمل گناه و گناه ارثی تفاوت قائل شویم. بعد این پیش میآید که انسانها فرامین خدا را خیلی سرسری می بینند. آنها می گویند که بی گناه هستند چون تا به حال نه قتل کرده اند و نه مرتکب دزدی شدند به همین خاطر ما انسانها فرمانهای: ولي این يك خود فریبی است و بدین منظور پولوس در رومیان سه، بیست و سه، بیان می کند خدا را در ظاهر رعایت میکنیم ولي در واقع از او دور می شویم و در این جدایی می مانیم، زیرا گناه ارثی در عمق وجود ما قرار دارد و ما را به زنجیر می کشاند. این فرمانها در واقع این را هم به ما نشان می دهند که ما از انجام خواست خداوند ناتوان هستیم و به کمک نیاز داریم تا ما را یاری کند و در واقع به ما نشان میدهد که ما به عیسی نیاز داریم. عیسی تنها کسیست که خواست خدا را به انجام میرساند. او سه خواسته اول خدا را زمانی که جان خود را بدون قید و شرط به خداوند تقدیم کرد گردانید و همچنین او فرمانهای چهارم تا دهم را نیز وقتی که خودش را به خاطر محبت کامل به انسانهای دیگر قربانی ما کرد، در واقع شرح رابطه محبت بین دو دسته فرامین خداوند بدین شکل است که، ارتباط محبت عیسی با انسانها به. محقق گردانید صورت افقی میباشد و ارتباط محبت او با خداوند شکل عمودی دارد و این سطح عمودی و افقی را ما بروی صلیب به وضوح می متی بیست و دو، سی و هفت تا چهل: عیسی وی را گفت، اینکه خداوند خدای خود را به: توانیم ببینیم. عیسی در این باره فرمودند همه دل و تمامی نفس و تمامی فکر خود محبتت ت نما. این است حکم او ت ل و اعظم. و دو م مثل آن است، یعنی همسایه خود متعل برخی معتقداند که عیسی آمده و این. را مثل خود محبتت ف ت نما. بدین دو حکم، تمام تورات و ص فحف انبیا تق است فرمانها را به انجام رسانده و به این منظور ما دیگر نیازی به رعایت آنها نداریم. این دسته می خواهند از رعایت فرمان خدا سر باز زنند و همه چیز را به محبت خداوند واگذار نمایند. با این تفسیر میتوان گفت که عیسی در واقع خواست مقدس خدا را از میان

برده و در تضاد با آن عمل کرده و از این پس خواست خداوند برای انسانها بی معنیست. این تفسیر کامل غلط است و عیسی در حقیقت بیانگر فرمانهای خداوند است به شکلی سخت گیرانه تر و او از شکستن این فرمانها در قلبان سخن می گوید. برای مثال متی پنج، بیست و دو: لیکن من به شما می گویم، هر که به برادر خود بی سبب خشم گیرد، او درباره فرمان پنجم گفته است ت بدگویی کند، مستوجب قصاص باشد و هر که احمق گوید، مستحق آتش. مستوجب حکم باشد و هر که راجع به برادر خود لود دوم: آنها این. اول: این فرامین خواست خدا را به ما نشان می دهند تا ما به انجام برسانیم: جهنم بف خالصه ما می توانیم بگوئیم سوم: از طریق روح. را نیز به ما نشان می دهند که ما به تنهایی توان انجام این فرامین را نداریم و به کمک عیسی نیاز داریم افسسیان دو، ده: مقدس عیسی به ما نیروی تازه می بخشد تا ما این فرمانها را به واسطه او و نه توسط خودمان به انجام برسانیم قسمت. زیرا که صنعت او هستیم، آفریده شده در مسیح عیسی برای کارهای نیکو، که خدا قبل مهیتا نمود تا در آنها سلوک نماییم ++بعد راجع به فرمان اول خواهد بود